هفته کتاب، موعد احتمالی کلنگ‌زنی ۳ کتابخانه

مناطق حاشیه‌ای شهر مشهد صاحب کتابخانه عمومی خواهند شد

گزارش

غزاله حسین‌پورا مطالعه و کتاب‌خوانی، ساده‌ترین و مؤثرترین راه افزایش آگاهی است. لزوم افزایش سرانه مطالعه و ایجاد کتابخانه در مناطق کم‌برخوردار و حاشیه شهر محسوس است و کمک به افزایش فرهنگ مطالعه و فراهم کردن زمینه‌های آن می‌تواند باعث رشد و بروز استعدادها و کاهش آسیب‌های اجتماعی در آینده باشد که این مهم بدون همراهی و همکاری همه نهادهای مربوط و مسئول امکان‌پذیر نیست. در سال‌های اخیر، توجه به مناطق حاشیه‌ای شهرهای کشور، در دستور کار نهادهای مسئول قرار گرفته است.

یکی از ایده‌های شایان توجه در این زمینه، راه‌اندازی و تأسیس کتابخانه‌های سیار و ثابت در این مناطق است. در مشهد نیز پس از موفقیت‌آمیز بودن طرح کتابخانه‌های سیار در روستاها و مناطق کم‌برخوردار و استقبال ساکنان از آن، طرح ساخت کتابخانه در چند ناحیه محروم شهری در دستور کار اداره کل کتابخانه‌های عمومی و شهرداری مشهد قرار گرفته است.

در جلسه کمیسیون فرهنگی شورای اسلامی شهر مشهد که به میزبانی کتابخانه مرکزی در تاریخ ۴ آبان‌ماه سال جاری برگزار شد، محمدرضا حیدری، رئیس شورای شهر، با تأکید بر استقبال گسترده شهروندان از کتابخانه‌های سیار پیش‌بینی شده در مناطق کم‌برخوردار مشهد، اعلام کرد شهرداری با همکاری اداره کل کتابخانه‌های عمومی استان، ۳ قطعه زمین برای احداث کتابخانه در این مناطق اختصاص خواهد داد. به همین منظور در گزارش پیش‌رو، این طرح پیشنهادی را از طریق مسئولان پیگیری کردیم.

اولویت با مناطقی است که نیاز بیشتری دارند

رمضانعلی فیضی، رئیس کمیسیون ویژه مناطق پیرامونی و کم‌برخوردار شورای اسلامی شهر مشهد، اعلام کرد نیم درصد از منبع اعتبارات عمرانی در قالب تملک و دارایی، بابت کمک به ایجاد کتابخانه‌های عمومی به نهاد کتابخانه‌ها تخصیص داده می‌شود. او در توضیح این طرح گفت: به منظور ایجاد کتابخانه‌های عمومی و افزایش سرانه آن‌ها، به ویژه در مناطق پیرامونی شهر، درحال پیگیری برای شناسایی زمین‌هایی با این کاربری و مرتبط به این موضوع هستیم.

با توجه به اینکه سرانه کتابخانه‌های عمومی در محلات حاشیه شهر ضعیف‌تر است، فیضی یکی از اهداف این طرح را رعایت پراکندگی منطقی این کتابخانه‌ها بیان کرد.

رئیس کمیسیون ویژه مناطق پیرامونی و کم‌برخوردار، در مورد اولویت محله‌های مختلفِ هدف این طرح اضافه می‌کند: انتخاب محل‌ها بر اساس وسواس و دقت خاصی صورت می‌گیرد تا زمین با کاربری مربوط باشد. همچنین اولویت با منطقه‌ای است که نیاز آن فوری و ضروری‌تر باشد.

کلنگ‌زنی در هفته کتاب

حجت‌الاسلام علی‌اکبر سبزیان، مدیرکل کتابخانه‌های عمومی خراسان رضوی، با اشاره به تعامل با شهرداری می‌گوید: با توجه به محرومیت بخش‌های حاشیه شهر و طی تعاملی با شهرداری، موافقت‌نامه‌ای با سازمان برنامه و بودجه منعقد کردیم تا از بودجه سال ۹۸ این نهاد، بخشی را به احداث این ۳ کتابخانه اختصاص دهند. طبق هماهنگی‌ها، به زودی و احتمالا در هفته کتاب کلنگ‌زنی این کار آغاز خواهد شد.

به گفته سبزیان، محل‌هایی برای این طرح در نظر گرفته و پیشنهاد آن از طرف اداره کل کتابخانه‌ها مطرح شده است و پس از بررسی‌های شهرداری، جمع‌بندی خواهد شد. او در این‌باره می‌افزاید: اکنون در انتظار تأیید و تصویب نهایی اعضای محترم شورا هستیم. ما آمادگی داریم هر زمانی که این طرح نهایی شود، کار را آغاز کنیم. بنابراین از جانب ما مسئله خاصی وجود ندارد.

اجرای طرح و تجهیز کتابخانه‌ها به عهده نهاد کتابخانه‌هاست و شهرداری تنها وظیفه در اختیار قرار دادن زمین‌ها را دارد.

نویسنده قناری است در معدن زغال سنگ

سرک کشیدن به ذهن کرت ونه‌گوت، به بهانه زادروز او

یادبود

مترجم: هدی جاودانی| انگیزه کرت ونه‌گوت (Kurt Vonnegut) از نوشتن کاملا سیاسی بوده و او در این مسیر خود را با کسانی چون استالین، هیتلر و موسولینی مقایسه کرده است. به عقیده او نویسندگان و دیکتاتورها هردو در حال خدمت به جامعه خود هستند. اگرچه که نوع خدمتی که آن دو ارائه می‌دهند، با یکدیگر تفاوت دارد؛ «معتقدم نویسندگان، به صورت بیولوژیک مجبورند که عاملان تغییر باشند. به این معنا که آن‌ها سلول‌هایی تکامل‌یافته در یک ساختار اجتماعی هستند. به عبارت دیگر، نویسندگان به یاخته‌های عصبی شباهت دارند که در خدمت تمامی بدن هستند و زمانی که خطری جامعه‌ای را تهدید می‌کند، این نویسندگان هستند که زنگ خطر را به صدا درمی‌آورند. من به تئوری «قناری در معدن زغال‌سنگ» در مورد هنر معتقدم. کارگران معدن زغال‌سنگ عادت داشتند تا چند قناری را با خود به زیرِ زمین و داخل معادن ببرند، تا پرندگان بوی گاز را پیش از مسمومِ‌شدن کارگران، استشمام کنند. در مورد ویتنام هم یقینا نویسندگان چنین نقشی را ایفا کردند. آنان پیش از دیگران سروصدا راه انداختند و در نهایت از بین رفتند، اما هیچ اتفاق خاصی نیفتد و هیچ‌کس به اهمیت کار آنان پی نبرد».

«سلاخ‌خانه شماره پنج» ونه‌گوت، روایتی است که عمدتا به بمباران شهر درسدن آلمان می‌پردازد. رویدادی که ونه‌گوت در خلال جنگ جهانی دوم آن را تجربه کرد؛ «هنگامی که سلاخ‌خانه شماره پنج را می‌نوشتم، نمی‌توانستم دیدگاهی واقع‌گرایانه به آن داشته باشم. بمباران درسدن اتفاقی بود که فکرم را به خود مشغول کرده بود، اما در مهم‌ترین لحظه آن، یعنی دقیقا لحظه بمباران، با خلأیی بزرگ روبه‌رو بودم. هیچ‌چیزی را از آن لحظه به خاطر نمی‌آوردم. هنگامی که از چند نفر از هم‌رزمانم نیز در مورد آن لحظه پرسیدم، هیچ‌کدام چیزی به خاطر نمی‌آوردند، یا شاید اصلا نمی‌خواستند در مورد آن صحبت بکنند». حادثه درسدن، تأثیر چندانی روی ونه‌گات نگذاشته و خودش چنین تأثیری را کلیشه‌ای، اغراق‌شده و حاصل فروش بالای کتاب خود می‌دانسته است. «اگر سلاخ‌خانه تا این میزان فروش نداشت، تجربه حضور در بمباران درسدن به یک تجربه حداقلی در زندگی من شباهت پیدا می‌کرد. من فکر می‌کنم زندگی افراد با چنین حوادث ناگهانی و کوتاه‌مدت دچار تحول نمی‌شود. بمباران درسدن حیرت‌آور بود، اما لزوما هر اتفاق حیرت‌آوری قرار نیست شما را تحت تأثیر قرار دهد».

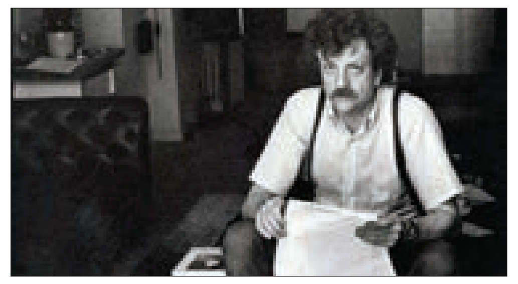

پدر و پدربزرگ او هر دو معمار بوده‌اند و به ساخت عمارت‌هایی شهرت داشته‌اند که چند نسل می‌شده‌است در آن زندگی کنند، او اما خود سال‌های بسیاری از زندگی‌اش را در آپارتمانی در نیویورک زندگی می‌کرده است. «فکر می‌کنم عادت کرده‌ام به اینکه آدم بی‌ریشه‌ای باشم، ویژگی‌ای که با حرفه‌ام نیز هم‌خوانی دارد. اما با وجود این، دوست دارم آدم‌ها بتوانند در تمامی طول زندگی خود، به نقطه‌ای، جغرافیایی یا جامعه‌ای تعلق داشته باشند تا بتوانند گاهی از آن سفر کنند، به تماشای جهان بنشینند و به خانه خود بازگردند. حس آرامش‌بخشی است. هنگامی که به شهر کودکی خود، ایندیاناپولیس، سفر می‌کردم، پرسشی کودکانه ذهنم را مشغول می‌کرد که «تخت خواب من کجاست؟» من آنجا بزرگ شده بودم و شاید حدود یک میلیون نفر در آن شهر زندگی می‌کردند، اما هیچ نقطه‌ای از آنجا به من تعلق نداشت».

ونه‌گات دوست نداشت با کسانی زندگی کند که شبیه به او فکر می‌کنند و با وجود آنکه از وجود جوامع متعلق به هنرمندان لذت می‌برد، علاقه‌ای به پیوستن به آن‌ها نداشت؛ «در واقع دوست دارم با کسانی باشم که به هیچ فکری نمی‌کنند، چون در این صورت من هم می‌توانم به هیچ‌چیز فکر نکنم. از فکر کردن خسته شده‌ام. دیگر به کارم نمی‌آید. به عقیده من، مغز انسان آن‌قدر ابعاد گسترده‌ای دارد که می‌تواند موارد استفاده بسیاری داشته باشد. من اما دوست دارم در این جهان با تمساح‌ها زندگی کنم و مانند آن‌ها بیندیشم».

ونه‌گوت به واسطه آثاری چون «سلاخ‌خانه شماره پنج»، «گهواره گربه» و «صبحانه قهرمانان» شهرت دارد. رمان‌ها، نمایش‌نامه‌ها و داستان‌های کوتاه او سرشار از هوشمندی، ذکاوت، خلاقیت و آمیخته به طنز است و جوامع فروپاشیده و بحران‌زده درگیر با جنگ از جمله درون‌مایه‌های آثار او هستند. این متن برگرفته از مصاحبه با کرت ونه‌گوت، در سال ۱۹۸۸ است.

ادای دین فیلیپ راث به زادگاهش، پس از مرگ

رویداد

پس از گذشت بیش از یک سال از مرگ فیلیپ راث، نویسنده شهیر آمریکایی، حالا معلوم شده است که او علاوه بر ۷۰۰۰ جلد کتابی که از مجموعه شخصی‌اش به کتابخانه عمومی زادگاهش، شهر نیوآرک، بخشیده است، ۲ میلیون دلار از دارایی ده‌میلیون‌دلاری‌اش را نیز به این کتابخانه اهدا کرده است. به نقل از وال‌استریت ژورنال، سال‌ها زندگی در نیویورک از دل‌بستگی راث به زادگاهش نکاسته بود، شهری که ۲۸۰ هزار نفر جمعیت دارد و در ایالت نیوجرسی در شرق آمریکا قرار گرفته است. راث در این شهر متولد و بزرگ شده بود و حالا این بذل و بخشش که خبرش ماه‌ها پس از فوت این نویسنده رسانه‌ای شده است، از شدت علاقه او به زادگاهش حکایت دارد. بلیک بیلی، نویسنده زندگی‌نامه در دست انتشار فیلیپ راث، گفته است: راث امیدوار بود زادگاه خود را از فقر و فلاکت نجات دهد. او قصد داشت از این طریق نقشی در بازگرداندن نیوآرک به روزهای اوج خود داشته باشد. اهدای پول مهم‌ترین و تنها کاری بود که از او ساخته بود. جولیا گولیر، دوست قدیمی راث، نیز گفته است: انگیزه راث علاوه بر کمک به ساکنان شهر نیوآرک این بود که می‌دانست رونق کتابخانه عمومی نیوآرک به رونق گردشگری ادبی و برگزاری جشنواره‌های مختلف در این منطقه منجر خواهد شد. «زنگار بشر»، «شوهر کمونیست من»، «رئیس‌جمهور ما»، «خشم» و «یکی مثل همه» از جمله آثار فیلیپ راث‌اند که به فارسی برگردانده شده‌اند.

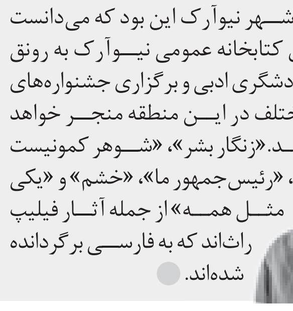

از دوائی تا سولژنیتسین در «جهان کتاب»

مجله خوان

«هوا...!»، به قلم پرویز دوائی، نوشته‌ای است که تازه‌ترین شماره ماهنامه جهان کتاب با آن آغاز می‌شود. «ماشین تحریر شهرزاد» نوشته جو هیل با ترجمه پرتو شریعتمداری، «باطله‌ها» از احمد اخوت و «مخزن» از کاترین شولتس با ترجمه سعید پزشک از دیگر مطالب این شماره مجله هستند. به گزارش ایسنا، «جهان کتاب» در ادامه با مطالبی از جمله: «نیمه خالی لیوان» نوشته زری نعیمی درباره رمان «پیاده» نوشته بلقیس سلیمانی، «اراده معطوف به نقل» نوشته حسین رسول‌زاده درباره رمان «فرمان ششم یا یک روایت دست اول از سوم شخص مقتول» نوشته مصطفی انصافی، «نگاره‌های کلامی» نوشته رجبعلی مختارپور درباره «هایکوهای کلاسیک» با برگردان ع. پاشایی، «قانون، آزادی و اخلاق» نوشته معصومه علی‌اکبری درباره کتابی با همین عنوان نوشته هربرت هارت، «اجبار به انتخاب و مواجهه با پیامدهای ناگزیر» نوشته یزدان منصوریان درباره کتاب «همزیستی با اژدها: زندگی اخلاقی در دنیایی پر از پیامدهای ناخواسته» نوشته دارل کوئن، «چه‌هاست در سر این قطره محال‌اندیش» نوشته امیر شفقت درباره کتاب «حافظ، پادشاه عریان شعر» نوشته ابوالفضل رجبی همراه است. همچنین «گلدان شکسته» سولی پرودوم «از یحیی دولت‌آبادی تا احمد شاملو» نوشته کامیار عابدی، «کور توسیو مالاپارته» نوشته لوئیجی بارزینی، «آثار منتشر نشده سولژنیتسین» با ترجمه یاسمن منو و «چه شد که صفحه سفید ماند؟» (حکایت ناکامان قلم) از کریستوفر روز با ترجمه پرتو شریعتمداری از دیگر مطالب این نشریه هستند.

آگهی مناقصه

موضوع: مناقصه نوبت دوم احداث یک دستگاه پل عابر پیاده بزرگراه بابانظر

سازمان ساماندهی مشاغل شهری و فرآورده های کشاورزی شهرداری مشهد مقدس در نظر دارد اجرای عملیات احداث یک دستگاه پل عابر پیاده واقع در بزرگراه بابانظر ۷۲ به متراژ ۱۱۰ متر طول شامل خرید، نصب و راه اندازی، خدمات فنی و پشتیبانی را به شرکتهای واجد شرایط واگذار نماید. لذا از کلیه شرکتهای دارای رتبه ۵ ابنیه و ساختمان یا ۵ تأسیسات و تجهیزات و ثبت نام شده در سامانه تأمین کنندگان شهرداری مشهد دعوت می گردد در صورت تمایل جهت دریافت اسناد مناقصه به نشانی مشهد حدفاصل بلوار وکیل آباد ۵۵ و ۵۷ پلاک ۱۱۶۵ طبقه چهارم اداره امور قراردادها و پیمانهای سازمان و یا به سامانه مناقصات و مزایدات شهرداری مشهد مراجعه نمایند. آخرین مهلت دریافت و ارائه پیشنهاد اسناد مناقصه: ساعت ۱۳:۱۵ روز پنج شنبه ۱۳۹۸/۰۸/۳۰

مبلغ برآورد مناقصه : ۱۵،۲۱۷،۴۹۰،۷۰۲ ریال، مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: ۷۶۱،۰۰۰،۰۰۰ ریال. متقاضیان موظف به ارائه تأییدیه ظرفیت آزاد از مراجع ذی صلاح می باشند. ضمنا ظرفیت آزاد تا روز ابلاغ قرارداد می بایست تداوم داشته باشد. جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفنهای ۶۶-۶۵-۳۱۲۹۸۰۴۱ تماس حاصل نمایید.

(سازمان در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادات مختار می باشد)

(هزینه درج آگهی بر عهده برنده مناقصه می باشد)

جهت کسب اطلاعات بیشتر به آدرس سایت www.samesh.mashhad.ir مراجعه نمایید

روابط عمومی سازمان ساماندهی مشاغل شهری و فرآورده های کشاورزی شهرداری مشهد

خراسان حلقه وصل فارسی زبانان

صاحب خبر

جلیل فخرایی| اولین نشست تخصصی «اشتراکات فرهنگی و زبان، ادبیات و فرهنگ عمومی خراسان کهن از دیرباز تاکنون» به همت مدیریت انجمن‌های ادبی خراسان رضوی در فرهنگ‌سرای بهشت مشهد برگزار شد. در این نشست، محمدکاظم کاظمی، شاعر و پژوهشگر و عضو پیوسته فرهنگستان ادب فارسی، به صحبت درباره مشترکات زبانی سرزمین‌های مختلف همجوار پرداخت. کاظمی به عوامل و اشتراکات فرهنگی بین ایران، افغانستان و تاجیکستان اشاره کرد و گفت: هم‌زبانی ملل ۳ کشور و وحدت زبان در هر ۳ کشور فارسی‌زبان، در کنار نقش خراسان در این مشترکات، که مهم‌ترین عامل پیوند زبانی کشورهای همجوار بر محور زبان و ادبیات فارسی است را می‌توان ۲ عامل اساسی پیوند زبانی در بین این ۳ کشور به شمار آورد. در ادامه این نشست علیرضا حیدری، شاعر و روزنامه‌نگار، با صحبت درباره زبان، ادبیات و فرهنگ عمومی خراسان کهن از دیرباز تاکنون گفت: اگر بخواهیم فرهنگ عمومی را در جامعه ایرانی سامان بدهیم، باید به گنجینه و میراث ادبی مراجعه کنیم. آنچه امروز از آن به عنوان فرهنگ عمومی یاد می‌کنیم، همان آداب‌مندی‌ای است که در سنت ادبی ما وجود داشت. اجرای موسیقی مقامی خراسان و نیز افغانستان توسط غلامحسین سلامی و رضا شوقی و موسیقی پهلوانی خراسانی توسط مرشد ارغوانی از دیگر بخش‌های این برنامه بود.

به روایت تصویر

یک تکه از یک سریال نیمه‌تمام

نگاهی به نمایشگاه آثار منتخب هفته تصویرگری مشهد

امیر منصور رحیمیان - در ذیل معنی واژه تصویرگری، آمده است: تصویرگری در واقع به معنای روشن کردن و قابل فهم کردن یک متن یا مفهوم به وسیله تصویر است. به عبارتی مفاهیم مکتوب (متن) و تصاویر آن هر دو از یک جنس و مربوط به هم هستند. متن، اطلاعات خطی و پشت‌همی‌ای است که کم‌کم، طی فرایند خوانش به ذهن مخاطب منتقل می‌شود، ولی تصویر مجموعه اطلاعاتی است که به‌یکباره به چشم و ذهن مخاطب سرازیر می‌شود. تصویرگر با نقش کردن برداشت خود به متن جان می‌دهد، آن‌طور که زحمت تصویر کردن داستان را در ذهن مخاطب کم می‌کند؛ مخاطبی که مهم‌ترین بخش تصویرگری است، چنان‌که فهم و لذت از یک اثر مکتوب نزد مخاطبان آن نوشته، به بخت و اقبال و فهم تصویرگر از آن نوشته برمی‌گردد. باید در پاسخ به این سوال که فرق بین نقاشی با تصویرگری کدام است، هم گفت: با اینکه تصویرسازی، تصویرگری و طراحی همه به مثابه فرزندان هنر نقاشی هستند، نقاشی در ذات خود یک هنر کاملا شخص‌محور و منفک است. نقاش اثرش را بر اساس میل و قدر قلمش خلق می‌کند. انتخاب موضوع، ابعاد اثر و مواد در اختیار خودش است ولی اثر تصویرگر با اینکه تکنیکش شاید قوی‌تر از نقاشی باشد، کاملا هدفمند و بر مبنای نوشتار یا داستان - حتی شفاهی - شکل می‌گیرد. لحن داستان یا زوایای نوشته معین می‌کند که جنس تصویرش چه باید باشد، چه ابعادی لازم دارد، چه موادی برای کار نیاز است و کدام زاویه می‌تواند بهتر موضوع را نشان بدهد. اگر تصویرگر کاربلد و خلاق باشد، در انتها اثری خلق می‌شود که کلمات زیادی را در خود جای می‌دهد؛ اثری که در ادامه داستان است و خود داستان است. درنتیجه تفاوت بیشتر از جانب مفهوم است تا تکنیک. تصویرگری برخلاف نقاشی در خدمت بیان مفهوم خاص و دیکته‌شده است. هنر چیزی نیست جز بیان مفاهیمی که به زبان نمی‌آیند. فرق نمایشگاه نقاشی و تصویرگری هم در این است که در نمایشگاه نقاشی، نیازی به توضیح و تفسیر نیست، حال آنکه در نوع تصویرسازی حداقل به یک صفحه از داستانی که این نقش براساس آن کشیده شده است، نیاز است. در نمایشگاه آثار منتخب هفته تصویرگری مشهد این بخش مهم، حلقه گم‌شده اصلی بود. پاره‌ای تصویر گنگ و ابتر که بیشتر تکنیک، رنگ، فرم و نور در آن نمایش داده شده بود و مخاطب را مجبور می‌کرد فقط از منظر نقاشی و طراحی، آثار را قضاوت کند که در این زمینه هم با وجود نقاشان قوی‌پنجه و متبحر، ناموفق می‌نمود. گو اینکه کار نقاشی - فارغ از قدرت قلم و زیبایی‌شناختی - یک اثر تمام‌وکمال است و کار تصویرسازان این نمایشگاه به مثابه یک تکه از یک سریال نیمه‌تمام، نه برایشان ابتدایی متصور بود و نه انتهایی. نه می‌شود برایشان داستانی و تفسیری ساخت، که خود تصاویر بر اساس یک داستان شکل گرفته‌اند و نه از داستان خبر داری. مخاطب آثار در حیرانی می‌ماند که قضاوتش را بر چه شالوده‌ای می‌تواند استوار کند. سردرگمی اینکه باید اثری را قضاوت کند که از نظر تکنیک، فرم، رنگ و نورپردازی ضعیف است و حال آنکه شاید بهترین نوع اجرای آن نوع کلمات این‌طور باشد. قدرت قلم و تکنیک در این نوع از هنر، بستگی به نوع نوشتار و داستان دارد، با این حال در یکی دو اثر، خط روایی داستان و نوشته رعایت شده بود. «شادی جمشیدپور» و «سیده‌سمانه معتمدالشریعتی» تصویرگرانی بودند که این مفهوم را درک کرده و تصویر را در کنار داستان قرار داده بودند. «سحر پری» و «سحر مربی» کار کودک را به‌خوبی درک کرده بودند و با رنگ‌ها و فرم دلنشین، آثاری خلق کرده بودند که در همان تک‌فریم هم به مثابه نقاشی‌های متحرک حرکت داشت. «زهرا جوادی» و «لاله خرازیان» هم با اینکه تصویری گنگ و نامفهوم در معرض تماشا گذاشته بودند، از لحاظ تکنیک، رنگ، فرم و قدرت در اجرای خطوط شایسته تقدیر بودند. آثار «فرخ‌لقا علی‌نژاد» و «سعیده نصرتی‌فرد» هم به‌خاطر خلاقیت استفاده‌شده در به تصویر درآوردن داستانی که نمی‌دانیم چیست، تامل‌برانگیز است.

به‌هرروی این نمایشگاه، حرکتی شایسته تقدیر و نیکو در هفته تصویرگری محسوب می‌شود. باید درک کرد که همیشه حرکت‌هایی این چنینی منتقدانی داشته است. انتقاد، یعنی کار دیده شده است و با درنظر گرفتن نکته‌های این انتقادها، نمایشگاه‌ها به بلوغ و بلندی می‌رسند و باعث دل‌گرمی هنرمندان این رشته می‌شوند.

نمایشگاه آثار منتخب هفته تصویرگری مشهد تا ۲۳ آبان هر روز از ساعت ۹ تا ۱۸ در خیابان کلاهدوز، کلاهدوز ۳۰، طبقه همکف، ساختمان نوساز دانشکده فردوس، نگارخانه فردوس، میزبان هنردوستان و هنرمندان است.

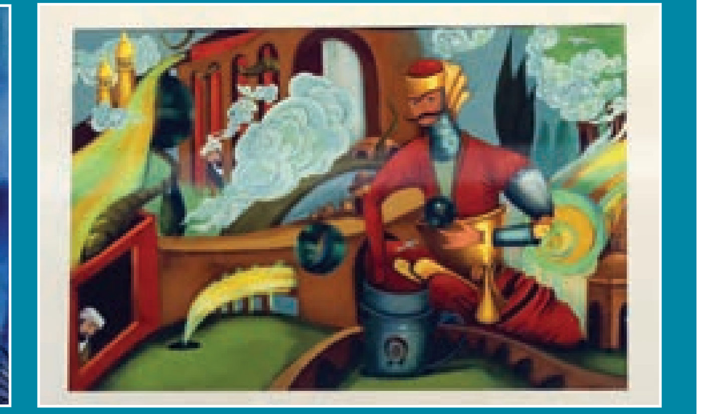

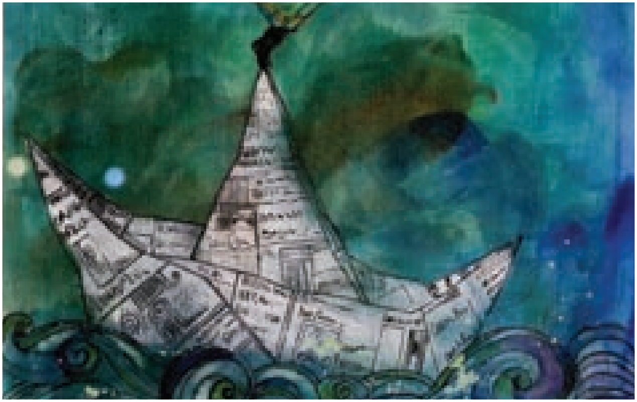

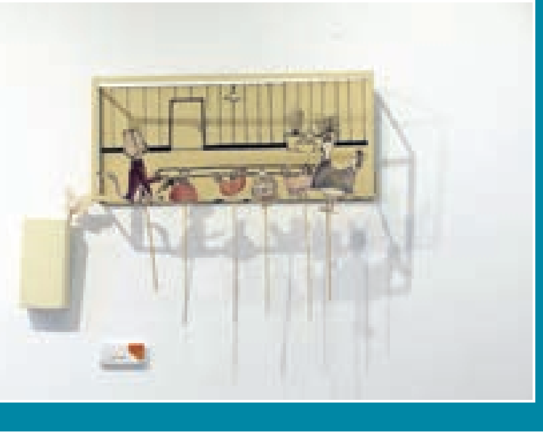

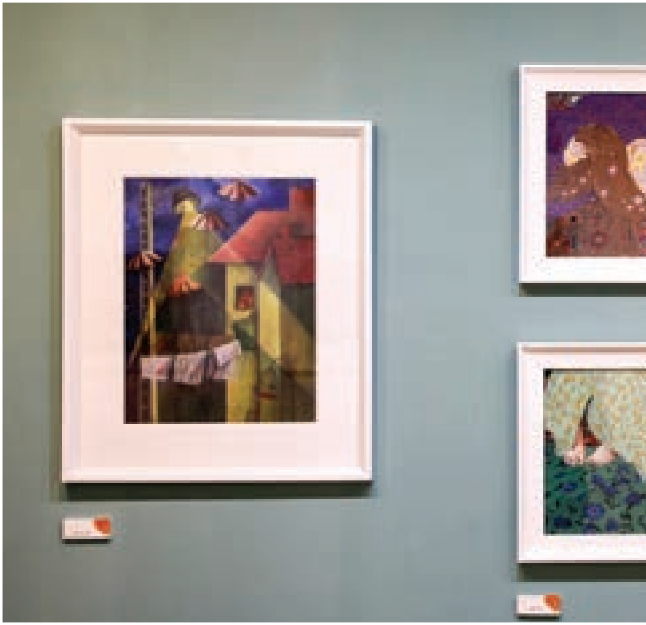

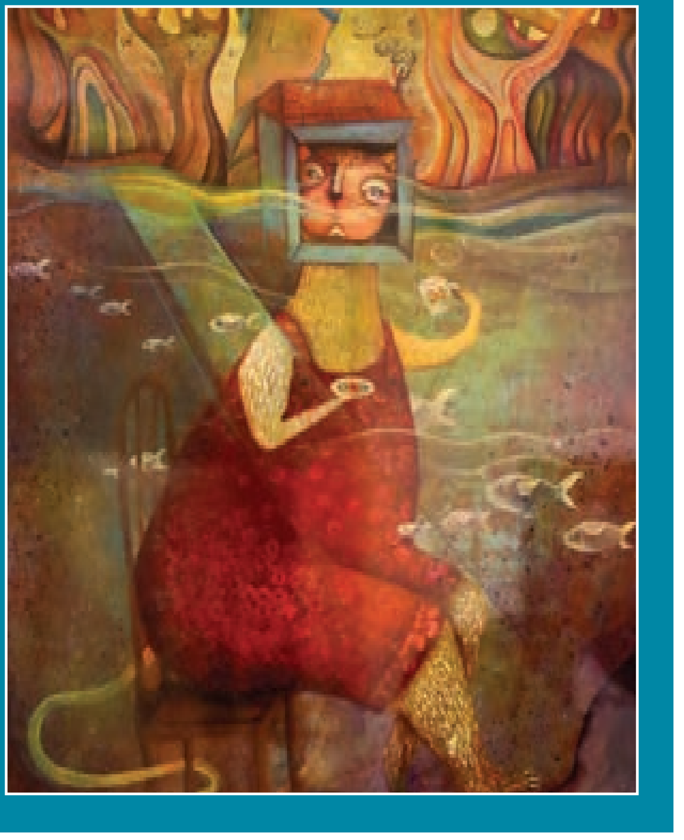

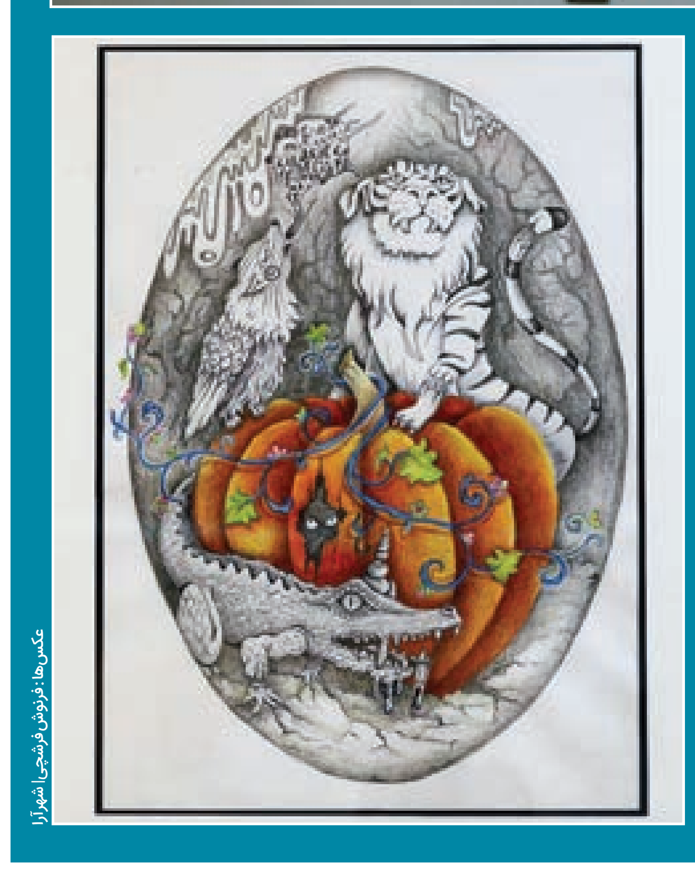

عکس‌ها: فرنوش فرشچی| شهرآرا

رویداد

شکفتن فیلم‌های کوتاه بر پرده سینما

نشست نقد و بررسی فیلم‌های «پنجگاه» از گروه هنر و تجربه در مشهد برگزار شد

عکس: سعید گلی| شهرآرا

شکیبا افخمی‌راد| «پنجگاه» نام مجموعه‌ای از پنج فیلم کوتاه است که از مرداد ۹۸ در سینماهای هنروتجربه اکران می‌شود؛ بسته‌ای شامل پنج فیلم «باران‌های گاه‌به‌گاه» به کارگردانی کاوه دانشمند، «پانصد مثقال طلا» به کارگردانی شهرزاد دادگر، «پرده توری» به کارگردانی آرش محمودی، «پرگار» به کارگردانی میثم عباسی و «ملاقات محرمانه خانم‌وآقا» به کارگردانی سیدسجاد حسینی که از آغاز اکرانشان توانسته‌اند مخاطبان بسیاری را با خود همراه کنند. شنبه ۱۸ آبان در ادامه نشست‌های نقد و بررسی فیلم‌های هنروتجربه، سینماهویزه مشهد میزبان میثم عباسی و سیدسجاد حسینی، کارگردانان فیلم‌های «پرگار» و «ملاقات محرمانه خانم‌وآقا» بود. نشستی که به‌دلیل پخش فیلم «پنج» به‌جای مجموعه «پنجگاه» با حدود ۴۰ دقیقه تاخیر در سالن ۷ این پردیس سینمایی برگزار شد. همچنین پایان این نشست با انتقادهایی از انجمن سینمای جوان، به‌عنوان متولی اصلی تولید فیلم کوتاه در ایران، همراه بود.

بازیگری که به اکران فیلمش نرسید

«پرگار»، به کارگردانی میثم عباسی، آخرین فیلم از مجموعه «پنجگاه» بود که در پردیس سینمایی هویزه به نمایش درآمد. این فیلم درمورد پیرمردی که تنها همدمش پیرزنی است که هر روز صبح در مجاور خانه او به تماشای پرندگان می‌نشیند. این پیرمرد دل به عشق داده است اما جسمش یاری نمی‌کند تا به بیرون از خانه برود. به گفته کارگردان پرگار، فیلم‌نامه این فیلم یازده‌بار ویرایش شده تا درنهایت به این نسخه که در پرده سینماها اکران شده، رسیده است. فیلم‌نامه‌ای هفده‌دقیقه‌ای و فاقد دیالوگ. به‌گفته عباسی در نسخه‌های اولیه، فیلم‌نامه دیالوگ داشت اما از آنجاکه پرداختن به زندگی یک سالمند، بی‌دیالوگ بودن را می‌طلبید، در ادامه تصمیم گرفتیم از دیالوگ دوری و با زبان تصویر صحبت کنیم؛ البته این موضوع و روایت تمام ماجرا از پشت پنجره خانه، کار من را سخت‌تر کرد، ولی من به‌عنوان یک چالش خوب به آن نگاه کردم و خواستم خودم را محک بزنم. عباسی همچنین ایده فیلم را این‌گونه توصیف کرد: من قصد داشتم نشان دهم که آدم‌ها، کالا نیستند که وقتی قدیمی شدند، کنار گذاشته‌شوند.

او از حسین قادری، بازیگر اصلی فیلم «پرگار» که چندی پیش از دنیا رفته و نتوانسته است فیلم را بر روی پرده سینما ببیند، هم یاد کرد: «قادری در فیلم، زندگی خودش را بازی کرد. او تنها بود و به‌نوعی برای ارتباط داشتن با آدم‌ها تلاش می‌کرد.» این کارگردان درباره هزینه‌های فیلمش نیز توضیح داد: در سال ۹۳ هزینه‌های ساخت فیلم پرگار حدود ۱۴ میلیون شد، به‌طوری‌که هنوز هم برای ساخت فیلم بدهکارم.

کپی شدن فیلم‌نامه

«ملاقات محرمانه خانم‌وآقا»، دیگر فیلم مجموعه «پنجگاه»، داستان پسر جوانی به نام مهرداد است که با دختری غریبه به نام گلناز وارد خانه می‌شود و اتفاق‌های غیرمنتظره‌ای برای آن‌ها رخ می‌دهد. به‌گفته کارگردان فیلم، «ملاقات محرمانه خانم‌وآقا» قصد دارد تصویر متفاوتی از زن خیابانی را نشان دهد؛ زنی که فرصت پیدا می‌کند یک روز نقش فردی خانه‌دار را ایفا کند اما درنهایت شب با همان لباس و گریم همیشگی‌اش خانه را ترک می‌کند. حسینی همچنین به این نکته اشاره کرد که برخی سازمان‌ها از او درخواست کرده بودند پایان فیلمش را تغییر دهد تا از او حمایت کنند.

این کارگردان درباره انتخاب بازیگر نقش اول فیلم نیز توضیح داد: در ابتدا قرار بود نازنین بیاتی این نقش را بازی کند اما به‌دلیل هم‌زمانی فیلم‌برداری فیلم ما با «آینه‌بغل»، این همکاری منتفی شد. درنهایت ما به شیرین اسماعیلی رسیدیم که به نظرم انتخاب خوبی بود.

او در بخش دیگری از صحبت‌هایش به کپی شدن فیلم‌نامه «ملاقات محرمانه خانم‌وآقا» برای ساخت یک فیلم بلند توسط امیرمحمد زند، بازیگر، و امیرمحمد عبدی، نویسنده، اشاره کرد. به‌گفته حسینی، با پیگیری افرادی چون کمال تبریزی ساخت این فیلم درنهایت متوقف شده است.

حسینی از انجمن سینمای جوان نیز انتقاد کرد. به گفته او، انجمن سینمای جوان استعدادکش‌ترین سازمان جوان ایران است: «این انجمن صرفا در ازای صدور یک مجوز که وظیفه‌اش است، اسم خودش را به‌عنوان مجری طرح فیلم‌ها می‌آورد تا آمار تولیداتش را افزایش بدهد.»

زندگی با دیزاین

مدیرعامل خانه هنرمندان مشهد خبر داد

اجرای آثار هنری در ایستگاه‌های مترو

عکس: محمد زائرنیا| شهرآرا

زوزنی| یکی از عواملی که باعث می‌شود سرانه استفاده از حمل‌ونقل عمومی مانند تاکسی، اتوبوس و قطارشهری افزایش یابد، ایجاد جاذبه‌های زیبایی‌شناسانه در مکان‌های عمومی است. به عبارت دیگر تولید آثار هدفمند برای به نمایش گذاشتن در ایستگاه‌های مترو، باعث جذب مسافران به استفاده از وسایل حمل‌ونقل عمومی می‌شود.

با یک جست‌وجوی ساده در اینترنت، می‌توانید آنچه درباره ایستگاه‌های متروی زیبای جهان مطرح شده است، ببینید و تفاوتشان را با ایستگاه‌های قطارشهری خودمان احساس کنید. همان‌طور که ایستگاه‌های متروی شهرهایی چون مسکو و لندن و... چندصدسال قدمت دارند و این زیبایی، حاصل دورانی است که از سر گذرانده‌اند، ایستگاه‌های قطارشهری در مشهد نیز نیازمند شروع جریان‌هایی برای زیباسازی هستند.

وضعیت کنونی

نزدیک به ۱۰ سال است که خط یک قطارشهری در مشهد به بهره‌برداری رسیده است و هر سال چند کیلومتری به وسعت دیگر مسیرهای خطوط مترو مشهد افزوده می‌شود. به‌طور متوسط روزانه حدود دوبرابر جمعیت مشهد از این خط استفاده می‌کنند. این خط که تقریبا نیمی از ایستگاه‌هایش سرپوشیده است، فضای مناسبی برای استفاده‌های هنری دارد که معمولا از آن‌ها بهره‌برداری تجاری می‌شود. خط ۲ قطارشهری مشهد نیز که دوسه سالی از بهره‌برداری‌اش می‌گذرد، ظرفیت ایجاد فضا و جاذبه‌های هنری را دوبرابر کرده است اما همچنان جای خالی آثار هنری فاخر در آن احساس می‌شود. در این خط از قطارشهری مشهد نیز نمونه‌ای از المان‌سازی‌ها با کاشی و سرامیک اجرا شده است. تقریبا تمام ایستگاه‌های این دو خط، شبیه به یکدیگرند و مسافران فقط از روی تابلوها می‌توانند تشخیص دهند که در کدام نقطه از شهر هستند.

در پایتخت نیز اقداماتی برای زیباسازی ایستگاه‌های مترو انجام شده است که بعضی با انتقاد همراه است؛ کارهایی که به نظر تنها برای پر کردن فضاهای خالی این ایستگاه‌ها صورت گرفته و تلاش چندانی برای فرم دادن به آن ایستگاه‌ها نشده است.

لزوم توجه به کارکرد فضای ایستگاه

به نظر محمدحسین ماموریان، مجسمه‌ساز آثار هنری منصوب در ایستگاه‌های قطارشهری، نباید کارکرد ایستگاه‌ها را تغییر داد. او نصب آثار فاخر هنری در راهروهای ایستگاه‌های قطارشهری را به نصب آن‌ها در میدان‌ها تشبیه کرد و گفت که تولیدات هنری برای درک بیشتر نیاز به صرف زمان دارند: «این ایستگاه‌ها معمولا مکان‌هایی هستند که مسافران با سرعت از آن‌ها تردد می‌کنند و وقت زیادی برای صرف کردن در آن ندارند. درنتیجه نباید راهروهای ایستگاه قطارشهری را به نگارخانه تبدیل کنیم. بیشتر باید به‌صورت دکوراتیو از هنر بهره برد و حضور در آن فضاها را برای مسافران دلپذیر کرد.»

اما ابراهیم بهرامی، هنرمند عکاس مشهدی، استفاده نکردن از آثار هنری در ایستگاه‌های قطارشهری مشهد را یک کوتاهی و اقدام به انجام این کار را برای شهروندان مفید دانست: «فضاهایی که مسافران در آن منتظر رسیدن قطار می‌مانند، بهترین فضایی است که می‌شود مسافران را به حظ بصری رساند و با استفاده از رسانه هنر مسائل فرهنگی و اجتماعی را با آن‌ها طرح کرد. این باعث می‌شود عموم مردم به هنر نزدیک‌تر شوند. این فرصتی است که پیش‌تر در حوزه کتاب‌خوانی استفاده شده بود اما درباره آثار هنری کوتاهی شده است.»

بازسازی قدیمی‌ها و نصب آثار تازه

مدیریت شهری هم به ضرورت استفاده از تولیدات هنری پی برده است و چندی است در تکاپوست تا از این فضاها بهترین و بیشترین بهره را در جهت زیباسازی فضای قطارشهری ببرد، همان‌طور که صدرا یوسفی، مدیرعامل خانه هنرمندان مشهد، نیز از جلسات خود با مسئولان شرکت بهره‌برداری قطارشهری مشهد خبر داده و ابراز امیدواری کرده است با همکاری قطارشهری مشهد بتوانند آثار هنری را در ایستگاه‌های مشهد اجرا و نصب کنند: «جلسات مفصلی با مسئولان بهره‌برداری قطارشهری داشته‌ایم و در آن جلسات به توافق‌هایی نیز رسیده‌ایم. در همین راستا برنامه‌هایی را برای بازسازی آثاری که در این ایستگاه‌ها نصب شده است، پیش‌بینی کردیم. همچنین قرار شده است آثار نقش‌برجسته و نقاشی‌دیواری‌های متناسب با ایستگاه‌ها را اجرا کنیم.»

به گفته یوسفی، برگزاری «شنبه‌های تئاتر» و برنامه‌های فرهنگی‌هنری دیگر، از این دست ابتکارات است که با مشارکت خانه هنرمندان به‌زودی در فضای ایستگاه‌های قطارشهری مشهد شاهدش خواهیم بود.

استقبال تهرانی‌ها از «ضدضربه»

نماینده مشهد در میان آثار برتر از نگاه تماشاگران در سی‌وششمین جشنواره فیلم کوتاه تهران

زندگی با سینما

نگار راد| سی‌وششمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران از ۱۸ آبان آغاز به کار کرده‌است. جشنواره‌ای که از آن به‌عنوان مهم‌ترین رویداد فیلم‌های کوتاه کشور یاد می‌شود. با پایان روز اول این دوره از جشنواره، انجمن فیلم کوتاه ایران (ایسفا) که مسئولیت انتخاب بهترین فیلم از نگاه تماشاگران را برعهده دارد، پنج فیلم برتر از نگاه تماشاگران را معرفی کرده است.

درمیان نام‌هایی که این انجمن بدون اولویت اعلام کرده است، نام فیلم کوتاه داستانی «ضدضربه» یکی از نمایندگان مشهد، به کارگردانی عادل تبریزی، نیز دیده می‌شود. فیلم کوتاه مستند «آشو» و فیلم‌های کوتاه داستانی «اجباری»، «حلق‌آویز» و «نفر سوم»، چهار فیلم دیگری هستند که با اقبال مخاطبان روبه‌رو شده‌اند. لازم به ذکر است مشهد در این دوره از جشنواره علاوه‌بر «ضدضربه» دو نماینده دیگر هم دارد. «شوفر» به کارگردانی رضا نجاتی و «فیلمرغ» به کارگردانی امیرمسعود سهیلی که قرار است درکنار «ضدضربه» در بخش داستانی این جشنواره با ۶۵ اثر دیگر به رقابت بپردازد.

به گفته سیدوحید حسینی، سرپرست انجمن سینمای جوان مشهد، از این سه اثر دو فیلم «فیلمرغ» و «ضدضربه» از تولیدات انجمن سینمای جوان مشهد هستند: «این انجمن امسال ۱۴ اثر را برای شرکت در جشنواره فرستاده که ۳ اثر تولید خود انجمن بوده و سایر کارها با همکاری انجمن تولید شده است.»

سی‌وششمین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران تا ۲۴ آبان در پردیس سینماگالری ملت ادامه دارد.

تبادل تجربه در سمپوزیوم مجسمه

حضور ۲۰ استاد برجسته کشوری در نخستین سمپوزیوم مجسمه‌سازی مفاخر مشهد

هنر شهری

سبزه‌قبا| در نخستین سمپوزیوم مجسمه‌سازی مفاخر مشهد که آذر امسال برگزار خواهد شد، ۲۰ نفر از استادان برجسته مجسمه‌سازی کشور و هنرمندان منتخب استان حضور خواهند داشت. این خبر را صدرا یوسفی، دبیر این سمپوزیوم، اعلام کرد و مهم‌ترین دستاورد این رویداد را که نخستین‌بار است در مشهد برگزار می‌شود، تجربه‌اندوزی برای هنرمندان بومی دانست: «هنرمندان می‌توانند از راه بازدید، گفت‌وگو و انتقال تجربه درحین انجام کار، از فواید برگزاری سمپوزیوم برخوردار شوند.» مدیرعامل خانه هنرمندان مشهد، استفاده از هنر و آثار و آرایه‌های هنری را برای عینیت بخشیدن مفاهیم در سطح شهر، مهم‌ترین رویکرد خانه هنرمندان شهرداری مشهد دانست: «یکی از روش‌های ماندگار و دائمی برای عینی‌سازی مفاهیم، استفاده از مجسمه‌ها، احجام و سردیس‌هاست. مشهد، مفاخر و چهره‌های علمی، دینی و هنری برجسته‌ای دارد که گاه نام آن‌ها را فقط در کوچه‌ها، خیابان‌ها و بزرگراه‌ها می‌بینیم. تلاش می‌کنیم با برگزاری این سمپوزیوم و با کمک هنر استادان برجسته مجسمه‌سازی کشور و استان، سردیس شهدای والامقام را آماده کنیم و در نقاط مختلف شهر به نمایش بگذاریم.» دبیر نخستین سمپوزیوم مجسمه‌سازی مفاخر مشهد در تشریح این رویداد هنری گفت: در هفته‌ای که این سمپوزیوم برگزار می‌شود، شهروندان و عموم مردم می‌توانند درکنار هنرمندان، از نزدیک با مراحل ساخت مجسمه‌ها و سردیس‌ها آشنا شوند. همچنین دو نشست علمی و تخصصی با حضور استادان برجسته و دانشگاهی کشور در طول این یک هفته برپا خواهد شد.